

پلاتفرم جنبش دادخواهی از کشتارهای دهه شصت

حزب کمونیست کارگری ایران



کشتارهای دهه شصت و بویژه قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ يك فاجعه اجتماعی و زخم عمیقی بر پیکر جامعه ایران است. زخمی که بدون روشن شدن ابعاد این فاجعه، روشن شدن تعداد و اسامی و محل خاکسپاری قربانیان آن و بویژه بمحاکمه کشیدن آمرین و عاملین آن التیام نخواهد یافت.

کشتارهای دهه شصت تنها مورد جنایت حکومت نیست. سرکوب کارگران و دانشجویان و زنان آزادیخواه در اولین سالهای بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی، قتل‌های زنجیره ای در دهه هفتاد، ترور رهبران و چهره های سیاسی اپوزیسیون در خارج کشور، کشتار جوانان در خیابانها و در سیاهچالها و شکنجه گاههای نظیر کهریزک در سال ۸۸، و سرکوب و دستگیری و اعدام مستمر آزادیخواهان و فعالین جنبش کارگری و جنبش زنان و جوانان که تا امروز ادامه دارد همه فرازهایی از کارنامه قتل و سیاه جنایت و توحش جمهوری اسلامی است.

اما کشتار دهه شصت از نظر ابعاد و دامنه جنایت، عمق قساوت و توحش، و جنون کشتار و افسارگسیختگی دهشتناکی که در آن نهفته است در

مرتکب میشود برای حفظ سلطه جهانی جمهوری اسلامی است. اما علیرغم همه کشتارها و سرکوبگری ها، اعتراضات اجتماعی و مبارزات کارگران و زنان و جوانان مدام گسترش یافته و امروز حکومت اسلامی بیش از پیش تحت فشار ناراضانیهها و اعتراضات مردم قرار گرفته است. اکثریت عظیم مردم ایران- همانطور که بارها در اعتراضات توده ای و قیامهای شهری از جمله در خیزش میلیونی ۸۸ اعلام کرده اند - این حکومت را نمیخواهند و خواهان سرنگونی آن هستند. گسترش جنبشهای اعتراضی در عرصه های مختلف بیانگر گرایش توده ای و تلاش عمومی مردم برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی است.

تاریخ معاصر جهان کم نظیر است. تنها قتل عام ۶۷ کافی است تا جمهوری اسلامی را در کنار هالوکاست و نظام فاشیستی هیتلر و رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی و حکومت پینوشه در شیلی قرار دهد. دادخواهی از کشتارهای دهه شصت دادخواهی از همه جنایات و اعدامها و قتلها و شکنجه ها و کل توحشی است که فاشیسم اسلامی حاکم علیه مردم ایران مرتکب شده است.

کشتارهای دهه شصت يك اقدام سیاسی بود که با هدف ارعاب و عقب راندن مردم و جامعه معترض و برای حفظ حکومتی که بقای خود را در خطر میدید صورت گرفت. قتل عام دهه شصت و کلیه اعدامها و ترورها و کلیه جنایاتی که جمهوری اسلامی مرتکب شده و تا همین امروز علیه مردم

دنیای باید بداند ... جمهوری اسلامی عامل یکی از بزرگترین کشتارهای سیاسی عصر ما است

آیا میدانید علاوه بر شیلی در زمان پینوشه و اندونزی در زمان سوهارتو و آلمان در زمان هیتلر، در ایران نیز جمهوری اسلامی مرتکب يك نسل کشی و يك هولاکاست شد؟ شاید خیلی از شما از ابعاد جنایات و قتل عام های حکومت اسلامی مطلع نیستید. چون رسانه ها و دول غربی تماما در دهه هشتاد میلادی که قتل عام زندانیان سیاسی صورت گرفت سکوت کردند. اپوزیسیون جمهوری اسلامی در آن مقطع هنوز فعالیت قابل ملاحظه ای در سطح بین المللی شروع نکرده بود که در مورد این واقعه تاریخی افکار عمومی را مطلع کند. اما این جنایت چنان بزرگ و تکان دهنده بود که علیرغم گذشت بیش از سه دهه، جراحات عمیقی بر قلب جامعه ایران بر جای گذارده است. زخم هایی نظیر جنایات پینوشه در شیلی یا نسل کشی های نظام آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی، که از سیاست و حقوق به معنای محدود فراتر میرود و به يك فاجعه همگانی اجتماعی تبدیل میشود تا جایی که بدون التیام اینگونه جراحات جامعه نمی تواند قرار و آرام گیرد.

تابستان ۱۹۸۸ در ماههای اوت و سپتامبر، بدنبال پایان جنگ ایران و عراق، بدستور مستقیم خمینی يك «کمیسسیون مرگ» تشکیل شد و هزاران زندانی سیاسی را که از سالها قبل به زندان محکوم شده بودند، به جوخه اعدام سپرد. اسامی حدود ۵۰۰۰ نفر از جانبازان توسط

اپوزیسیون جمع آوری شده است. اما آمار واقعی بیش از اینها است. در سالروز این اعدام ها هر سال به این مناسبت مراسم هایی در ایران و در کشورهای دیگر برگزار میشود. امسال نیز این روزها این مراسم ها جریان دارد.

اما جنایت به تابستان ۱۹۸۸ محدود نبود. جنایات جمهوری اسلامی علیه مخالفین سیاسی، علیه زنان، علیه کارگران، علیه مردم در نقاط مختلف کشور که این حکومت را نمی خواستند از بدو سر کار آمدن حکومت و حتی در ماههای قبل از سر کار آمدن آن توسط اوباش سازمان یافته اسلامی با حمله به زنان بی حجاب و تحقیر و توهین به آنها شروع شد. اعدام ها نیز از روز شروع این حکومت در تهران و شهرستان ها به جریان افتاد. اما از ۲۰ جون ۱۹۸۱ یکی از بزرگترین قتل عام های سیاسی در ابعاد دهها هزار نفره در دستور حکومت قرار گرفت. از زنان حامله تا نوجوانان ۱۵-۱۴ ساله تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفتند و بدون دادگاهی اعدام شدند. در خیابان ها یا در خانه ها دسته دسته میگرفتند و ظرف چند روز و یا بعضا همان روز اعدام میکردند. بعد از دهه شصت نیز جنایات حکومت به اشکال مختلف ادامه یافت. در دهه ۱۹۹۰ حکومت اسلامی شروع به ترور رهبران اپوزیسیون و مخالفین سیاسی در لارناکا، برلین و پاریس و ... کرد و سپس به قتل زنجیره ای

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۳

نسان نودینیان

اخبار و گزارشات هفته از وضعیت زنان

صفحه ۴

عزیزه لطف الهی

چرا سر نوشت و آینده کومه له برای من مهم است؟

صفحه ۵

عبدل گلپریان

بازنشستگان تجمع سراسری خود را در مقابل مجلس برگزار کردند

صفحه ۶

حزب کمونیست کارگری ایران

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دادخواهی از کشتارهای دهه شصت و کلیه اعدامها و جنایات رژیم خود یکی از جنبشهای اعتراضی رو به گسترش و بخشی از جنبش سرنوینی طلبانه مردم است. خانواده ها و بازماندگان قربانیان دهه شصت، وابستگان کلیه افرادی که بدست جلادان حاکم اعدام و شکنجه شده یا بزندان افتاده و زندگیشان تباہ شده است، همه زندانیان سیاسی، فعالین جنبش علیه اعدام، فعالین جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، و همه مردم آزاده ایران خواهان روشن شدن پرونده جنایات حکومت و محاکمه کلیه آمرین و عاملین این جنایات هستند. این جنبش هر روز گسترده تر میشود و تحت فشار این جنبش است که کشمکش میان اردودسته های حکومتی بالا گرفته و ناگزیر به افشای گوشه ای از جنایات خود شده اند. اما حتی تلاش جناحهایی از حکومت و نیروهای اسلامی رانده شده از حکومت که با ابراز مخالفت با بخشی از جنایات حکومت متبوعشان از بخشش و سازش ملی دم میزند تلاشی

برای حفظ و نجات نظام اسلامی است. مردم ایران نه می بخشند و نه فراموش میکنند. همه مقامات و مسئولین کنونی و سابق و اسبق جمهوری اسلامی در جنایات حکومت سهیم و دخیل بوده اند و باید به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.

ابعاد و پیامدهای فاجعه دهه شصت از ایران فراتر میرود. کشتار دهه شصت در ایران از اولین نمونه های جنایت و توحشی است که امروز از جانب نیروهای نظیر بوکوحرام و داعش و النصره و غیره شاهد هستیم. جمهوری اسلامی پیش کسوت جنبش اسلام سیاسی، و نسل کشی دهه شصت پیشقراول جنایاتی است که امروزه نیروهای رنگانگ جنبش اسلامی علیه بشریت مرتکب میشوند.

با توجه به واقعیات فوق جنبش دادخواهی از کشتارهای دهه شصت اعلام میکند:

کشتارهای دهه شصت یک فاجعه اجتماعی و یک جنایت دهشتناک علیه بشریت است. و باید به همین عنوان در سطح جهانی، در افکار عمومی

جهانیان و در نزد دولتها و نهادهای بین المللی برسمیت شناخته شده و محکوم شود.

مسئول و عامل این جنایت کل نظام جمهوری اسلامی با همه جناحها و دارو دسته هایش و مقامات قبلی و کنونی حکومت است. نه تنها سران حکومت نظیر خامنه ای و روحانی و رفسنجانی، بلکه بسیاری از مسئولین و عاملین مستقیم این جنایت هنوز جزء مقامات دولتی و مصدر کار هستند.

همه اطلاعات در مورد کشتارهای دهه شصت باید علنی بشود و در اختیار جامعه قرار بگیرد. تعداد قربانیان، اسامی آنان، تاریخ و چگونگی بقتل رسیدن و محل خاکسپاریشان باید اعلام بشود.

باید در سطح بین المللی هیات های ذیصلاح برای تحقیق و روشن کردن جزئیات مربوط به کشتارهای دهه شصت تشکیل بشود. همه آمرین و عاملین مستقیم و غیر مستقیم این جنایت باید شناسائی و معرفی و بازداشت شوند و به محاکمه کشیده شوند.

در سال ۲۰۱۲ جمهوری اسلامی در دادگاه بین المللی ایران تریبونال، که

با شرکت حقوقدانان بین المللی و تعدادی از خانواده های قربانیان کشتار دهه شصت و زندانیان سیاسی در آن دوره تشکیل شد، به نسل کشی و جنایت علیه بشریت محکوم گردید. اکنون بر زمینه اعترافات اخیر مقامات حکومت میتوان و باید توجه جهانیان را مجدداً به دادگاه ایران تریبونال و نتایج و تصمیمات آن جلب کرد و دولتها و نهادهای بین المللی را به پذیرش احکام دادگاه و پیگرد مقامات جمهوری اسلامی واداشت.

جمهوری اسلامی باید بخاطر کشتارهای دهه شصت و کل پرونده قتل در جنایت علیه بشریت از جانب دولتها و نهادهای بین المللی محکوم شود و از نظر سیاسی تحریم گردد. روابط سیاسی و دیپلماتیک دولتها و نهادهای بین المللی باید با جمهوری اسلامی قطع شود و سران آن مورد پیگرد قرار بگیرند. دولتها و نهادهای بین المللی باید در برخورد به جمهوری اسلامی همان سیاستهایی را در پیش بگیرند که در قبال حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی در سالهای آخر آن حکومت اعمال میکردند.

فاجعه و زخم عمیق کشتارهای

از صفحه ۱ **دنیا باید بداند ...**

نویسندگان و مخالفین اپوزیسیون در داخل کشور روی آورد. سالهای گذشته اسیدپاشی به صورت زنان به تحریک امام جمعه ها و عوامل سازمان یافته حکومت در دستور قرار گرفت و شلاق زدن به جوانان و کارگران معترض در یک سال گذشته اوج گرفت. به این جنایات سنگسار صدها زن، چشم درآوردن و بریدن دست و از ارتفاع پرتاب کردن همجنسگرایان و دهها نوع جنایت دیگر بر اساس قوانین قصاص اسلامی را اضافه کنید.

و حال چه احساسی به شما دست میدهد اگر بدانید پاسداران جمهوری اسلامی از پدران و مادران یا همسران زندانیانی که اعدام میشوند پول تیرهایی که به سر و بدن زندانیان شلیک کرده بودند را طلب میکردند؟ چه احساسی پیدا میکنید وقتی گفته شود به تعدادی از زندانیان قبل از اعدام تجاوز کردند؟ یا به زور به ازدواج پاسداران اسلام درآوردند و بعد اعدام کردند و بخاطر این ازدواج به پدران و مادران آنها تبریک گفتند؟ بعضی پنج نفر یا شش نفر از فرزندان یک خانواده را اعدام کردند. چه احساسی از شنیدن این واقعه به شما

دست میدهد؟ چه احساسی پیدا میکنید اگر بشنوید که اعدام شدگان را کامیون کامیون در گورهای جمعی دفن کردند و هنوز اکثر قریب به اتفاق خانواده ها نمیدانند عزیزانشان در کجا دفن شده اند؟ چه احساسی پیدا میکنید وقتی بشنوید که خواهر را در مقابل برادر و یا دوست و رفیق را در مقابل یکدیگر شکنجه کردند تا از آنها حرف بکشند و اراده آنها را در هم بشکنند؟ دهها هزار زندانی را نیز که از اعدام نجات یافته بودند تحت انواع شکنجه ها قرار دادند، به زندان های طولانی محکوم کردند، آنها را اعدام نمایشی کردند، ماهها در قبرهای چوبی مصنوعی نگهداشتند تا اراده آنها را در هم شکنند و سرانجام هزاران نفر از آنها را در سال ۸۸ اعدام کردند؟ نه، اکثر شما از این هولاکاست اسلامی چیزی نمیدانید چون دولت ها و رسانه های غربی نسبت به این جنایت علیه بشریت سکوت محض کردند، که اگر نمیکردند، اگر افکار عمومی را مطلع میکردند، جمهوری اسلامی به این سادگی نمیتوانست دست به این قتل عام بزرگ بزند و ابعاد

جنایت به مراتب کمتر میشد. اعدام شده ها مخالفین حکومت از هر رنگ و طیفی بودند. چپ ها و کمونیست ها بودند، اسلامی های منتقد حکومت بودند، بهایی ها و یا طرفداران نظام سابق بودند، مردم معترض در نقاط مختلف کشور بودند و بعضا هیچکدام از اینها نبودند بدلیل تشابه قیافه یا شکل و شمایل غیر اسلامی دستگیر شدند، شکنجه شدند و اعدام شدند.

جمهوری اسلامی دست به این جنایات زد تا خود را به مردم تحمیل کند. این حکومت انتخاب مردم نبود که اگر بود نیازی به اینهمه سرکوب و جنایت نداشت. جامعه ایران چنین حکومت متحجر و عقب مانده ای را نمیخواست تحمل کند. اعتراض از هر طرف زیانه میکشید. اعتصاب گسترش می یافت. انواع روزنامه هایی که دهها سال تحت خفقان حکومت قبلی اجازه انتشار نداشتند در میان مردم توزیع میشد و با استقبال گرم مردم مواجه میشد. سازمان های سیاسی و تشکل های کارگری در فضای نسبتاً بازی که با انقلاب آزادیخواهانه مردم شکل گرفته بود شروع به شکل گیری کرده بودند و مردم به آنها ملحق میشدند.

کارگران، دانشجویان، زنان و مردم در اقصا نقاط کشور که دهها سال تحت سرکوب و تحقیر زندگی کرده بودند همه به حرکت درآمد بودند و در مقابل حکومت اسلامی سنگر میگرفتند. و حکومت اسلامی میخواست آنها را سر جای خود بنشانند، مردمی که به امید آزادی و یک زندگی بهتر انقلاب کرده بودند را مرعوب و تحقیر و خرد کند و چنان خفقان و سیاهی بر فضای جامعه حاکم کند که هرگونه امید به تغییر اوضاع را بکشد تا خود را سر پا نگهدارد.

این زخم عمیق همچنان باز است. هنوز التیام نیافته است. جنایتکاران، شکنجه گران و آنها که در دولت و مجلس و سیستم قضایی دستور دادند و اجرا کردند، همچنان سر کارند و همچنان اعدام و جنایت میکنند. از خامنه ای که در آن مقطع از بالاترین مقامات حکومت بود، تا رفسنجانی که بعنوان جانشین فرمانده کل قوا در اوت ۸۸ گفته بود فرصت خوبی به وجود آمده که در اینجا (زندان ها) آنها را منهدم کنیم و شرشان را کم کنیم، روحانی رئیس جمهور فعلی که در مجلس اسلامی در سال ۱۹۸۰ گفته بود توطئه گران را هنگام نماز

دهه شصت نهایتاً با برچیدن نظام جمهوری اسلامی و محاکمه همه مقامات و مسئولین آن التیام خواهد یافت. جنبش دادخواهی مردم ایران از قتل عام دهه شصت جنبش معینی با هدف بمحاکمه کشیدن مقامات جمهوری اسلامی و جزئی از جنبش سرنوینی طلبانه مردم ایران است. حزب کمونیست کارگری خود را یک نیروی فعال این جنبش میداند، پیگیرانه برای تحقق اهداف آن مبارزه میکند، و از همه خانواده ها و بازماندگان قربانیان جمهوری اسلامی، فعالین جنبش علیه اعدام و جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و همه مردم آزاده ایران میخواهد به جنبش دادخواهی از کشتارهای دهه شصت بپیوندند.

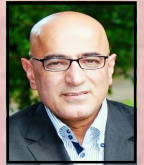
حزب همه مردم آزاده جهان و نیروهای مترقی را به حمایت از جنبش دادخواهی مردم ایران، کمک به تحقق اهداف مشخص این جنبش و حمایت همه جانبه از مبارزات مردم ایران برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ شهریور ۱۳۹۵

۱۳ سپتامبر ۲۰۱۶

جمعه در حضور مردم به دار آویزان کنید تا تأثیر بیشتری داشته باشد، یا پورمحمدی وزیر دادگستری دولت روحانی، عضو کمیسیونی که از طرف خمینی برای کشتار ۱۹۸۸ تعیین شده بود، همین چند روز قبل گفت ما افتخار می کنیم که دستور خدا را اجرا کردیم و صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه حکومت هم همین روزها گفته است احکام دادگاهها برحسب موازین شرعی و قوانین انجام شده و قابل خدشه نیست و حکم گروه های محارب کاملاً آشکار است و صدها مقام دیگر حکومتی که در جنایات دست داشته اند همچنان در مجلس و کابینه و سیستم قضایی و شورای نگهبان و مجلس خبرگان و یا در نیروهای مسلح مشغول حکومت اند و همچنان جنایت می آفرینند. تنها در طول سه سال حکومت روحانی بیش از ۲۰۰۰ نفر اعدام شده اند. و تا عدالت برقرار نشود، تا جزئیات این جنایات افشا نشود، تا جنایتکاران به محاکمه کشیده نشوند، تا مردم ندانند عزیزانشان کجا دفن شده اند، تا لیست دقیق مقامات و مسئولینی که در این جنایت هولناک شرکت داشتند



نسان نودینیان

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

کارگران فولاد زاگرس در منگنه فشار اقتصادی!

پیام زیر از احمد امینی پیام احمد امینی نماینده سابق و یکی از کارگران اخراجی فولاد زاگرس به کانال اتحادیه آزاد کارگران ایران

سلام. قصد خودکشی ندارم سه تا دختر سه و شش و ده ساله دارم اسفند ۹۲ شرکت فولاد زاگرس باتوجه به اینکه ۷۹٪ سهامش متعلق به سازمانهای زیر مجموعه وزارت کار بود به دستور مستقیم وزیر کار علی ربیعی منحل و ۴۰۰ نفر به طور مستقیم اخراج شدیم و تا اکنون پیگیری هایمان نیز بی نتیجه مانده اینجا وضعیت کار خیلی خرابه و بیکاری رکورد زده الان ناچارم کلیه ام فروشم.

برگرفته از کانال اتحادیه آزاد کارگران ایران

جانباختن کارگر کولبر ۱۷ ساله

۲۹ مردادماه، وحید دولتخواه جنیکانلو ۱۷ ساله کارگر کولبر در پی شلیک مستقیم نیروهای مرزبانی حکومت اسلامی مستقر در مرز ماکو جان باخت. وحید دولتخواه جنیکانلو ۱۷ ساله اهل روستای "یارمق" است.

بازهم وعده تو خالی به کارگران شهرداری سردشت و عدم پرداخت ماه ها حقوق و حق بیمه شان!

بازهم وعده مسئولان شهرداری سردشت مبنی بر پرداخت چندین ماه حقوق و حق بیمه کارگرانش تو خالی در آمد ۲۰۰۰ کارگر شهرداری سردشت که در بخش های مختلف خدماتی و فضای سبز مشغول به کار هستند، از ابتدای سال جاری تا اوایل مرداد ماه هیچ دستمزدی دریافت نکرده بودند؛ در نهایت، اوایل مرداد ماه حقوق فروردین ماه به حساب این کارگران واریز شد.

دفتر شهرداری سردشت وعده داده بود که تا آخر تیرماه، سه ماه از مطالبات را پرداخت می کند که این وعده عملی نشد. کارگرانی که از

بازداشت موقت؛ حکم زندان طولانی مدت؛ حکم تعلیق جرمه نقدی، شلاق زند به تن کارگر و در بعضی مورد اعدام؛ هیچ کدام از این فشارها نتوانسته کارگران آگاه و پیشرو را مرعوب و آنان را به تمکین در مقابل استثمار سرمایه داران و دولت حامییشان کنند. کارگران ایران همراه با هم طبقه های خود در سراسر جهان علیه این احکام قرون وسطایی سکوت نخواهند کرد و به هر شکل ممکن اعتراض خود را نسبت به چنین احکامی غیر انسانی ابراز می دارند. دولت سرمایه داری ایران کارگران را به جرم اینکه درخواست حقوق های معوقه خود را دارند زندان و آنان را به شلاق محکوم می کنند. اما در مقابل سرمایه داران و مفتخوریانی که تمام امکانات مالی این کشور را در اختیار دارند؛ تشویق و به آنان امتیاز می دهند تا بیشتر کارگر را استثمار کنند. این نابرابری در کشوری که ما ساکن آن هستیم هر روز بیشتر و بیشتر شده. این است که کارگران آماده هستند به زندان بروند و حتی اعدام شوند، اما یک لحظه در مقابل سرمایه داران و حامیانشان سکوت نکنند.

در شرایطی که نابرابری حاکم باشد و هر روز فاصله طبقاتی بیشتر گردد، مبارزه علیه آن یک وظیفه است

۹۶/۵/۲۴

صدور حکم شلاق بر علیه شاپور احسانی راد و تحمیل اعتصاب غذای رضا شهابی را قویا محکوم میکنیم

با وجود اعتراضات گسترده در سالهای گذشته در مقابل حکم شلاق و اجرای آن علیه کارگران، متأسفانه این بار قوه قضاییه حکم شلیک شلاق بر علیه شاپور احسانی راد عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران صادر کرد.

با صدور این دسته از احکام بر علیه کارگران و زحمتکشانی که در جهت استیفای حقوق از دست رفته خویش معترض هستند به هیچ وجه عادلانه نیست.

قوه قضاییه برای ایجاد وحشت و بر علیه منافع و مطالبات نیروی کارمزدی اقدام به صدور احکامی چون زندان، تبعید، شلاق و تهدید به اخراج از کار متوسل می شود و این در حالی است که چنین

احکامی نمی تواند کارگران را به تمکین در برابر ستمگریهای سرمایه داری وادارد، بلکه عزم طبقه کارگر را برای مبارزه تا رسیدن به حقوق قانونی خود بیشتر از گذشته جزم می نماید. فشار وارده از طرف قوه قضاییه بر وثیقه گذاران فعالین صنفی و کارگری، بازگرداندن رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه بعد از اتمام محکومیت به زندان را ناشی از هراس و خصومت علیه تلاش کارگران برای تغییر وضعیت وجودشان و دفاع از منافع مالکان و مدافعان سرمایه میدانیم.

تحمیل اعتصاب غذا به رضا شهابی در زندان با وجود بیماری، خود مهر تاییدی از ظلم و ستم دستگاه قضایی بر علیه کارگران در جهت سنگ اندازی و مخالفت با حق خواهی کارگران در ایران می باشد.

در همین راستا ما جمعی از کارگران و معلمان ضمن اعتراض و ابراز ناراضی نسبت به صدور حکم شلاق علیه شاپور احسانی راد و تمام کارگران و مزد بگیران قاطعانه خواستار لغو مجازات شلاق در پرونده های فعالین صنفی و کارگری و آزادی رضا شهابی با توجه به شرایط جسمانی ایشان هستیم.

۱۳۹۶ / ۵ / ۲۸ - جمعی از فعالین کارگری و معلمی

۱- محمد حسن پوره ۲- جعفر عظیم

زاده ۳- تهمینه خسروی

۴- الدوزهاشمی ۵- نسرين بهمن پور

۶- محمد کرد ۷- افشین مبارکی

۸- مصطفی پوره ۹- داریوش ترکاشوند

۱۰- ناهید خداجو ۱۱- نسرين جوادی

۱۲- مریم محمدی ۱۳- منوچهر

خطیر (رشنو) ۱۴- روح انگیز نوشاری

مقدم ۱۵- شهین مقامی ۱۶- فاطمه

مرادی ۱۷- بهنام ابراهیم زاده ۱۸- اکرم

تصیریان ۱۹- رحمان بیگی ۲۰- حسین

شاه پری ۲۱- علی نجاتی

۲۲- صلاح آزادی ۲۳- امیر حسین

محمدی فرد ۲۴- امیر حسین

۲۵- عبدالله صیادی ۲۶- ساناز

الهیاری

۲۷- محمود بهشتی لنگرودی

۲۸- پروین محمدی ۲۹- محبوبه

فرحزادی ۳۰- منصوره فرحزادی

۳۱- عنایت وثوقی ۳۲- سهیلا سیاوشی

۳۳- جلیل رحمانی ۳۴- فرهاد شیخی

۳۵- تهماسب سهرابی ۳۶- شبنم بهارفر

۳۷- مسعود شفیعی ۳۸- عارف فاتحی

۳۹- عثمان کریمیان ۴۰- واله زمانی

۴۱- مجتبی ابطحی ۴۲- مهرنوش

حیدرزاده ۴۳- اسکندر لطفی ۴۴- سارا

سیاهپور ۴۵- واله روح زاد ۴۶- مهناز

بهادری ۴۷- مریم حق شناس ۴۸- ناهید

فتحعلیمان ۴۹- حسین کرمی

۵۰- نصرت یزدانی ۵۱- محمد علی

زحمتکش

۵۲- مریم زیرک ۵۳- بهنام محمدی

۵۴- محسن عمرانی ۵۵- محسن

مرادی ۵۶- بهرام گرگان ۵۷- اکرم رحیم

پور ۵۸- زینب سپهری ۵۹- پروین

اسفندیاری ۶۰- محمود صدیقی پور

۶۱- محمد حبیبی ۶۲- علی اصغر

اسلامی ۶۳- رحیم امیری ۶۴- علی

اکبر باغانی ۶۵- شاپور احسانی راد

۶۶- علی حسینی ۶۷- گودرز شفیعیان

۶۸- فرح حاتمی ۶۹- مرید سازور

۷۰- ترکس محمدیان ۷۱- آرام قادری

۷۲- فاطمه بازیار

۷۳- سوسن رها ۷۴- مسعود

اسلامدوست ۷۵- سعید باقری ۷۶

- علی لکی زاده ۷۷- ثریا نور ۷۸

- حسن رزاقیان ۷۹- سپهر فرمند ۸۰

- فرشید هکی ۸۱- میرزا آقا رضا زاده

۸۲- شهاب کاردان ۸۳- حمید پرویز

۸۴- علی نازی ۸۵- محسن کامبر

۸۶- یاسمن صحرا کار ۸۷- سارا ملک

۸۸- سعید رضایی ۸۹- رحمان عابدینی

۹۰- هاشم خواستار ۹۱- قاسم کریمی

۹۲- حمید رحمتی ۹۳- حسین رضایی

۹۴- هادی لطفی نیا ۹۵- سید جواد

مکی ۹۶- غلامرضا غلامی

۹۷- حسین حاتمی ۹۸- ژیل خیر

۹۹- رضا غضنفری ۱۰۰- مظفر صالح

نیا ۱۰۱- مصطفی شوکت

۱۰۲- افسانه عظیم زاده ۱۰۳- جواد

کریمی بختیاری ۱۰۴- جواد لعل

محمدی ۱۰۵- مجید گنودی

۱۰۶- علی پیروز ۱۰۷- محمد رضا

رمضان زاده ۱۰۸- مختار کسرایی

۱۰۹- لیلا عظیم زاده ۱۱۰- مسعود

نیکخواه ۱۱۱- علی کامیاب ۱۱۲ -

جواد گرگین پور.





اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی

خودکشی زنان در کردستان

روز پنجشنبه ۱۹ مرداد ۹۶، يك زن ۵۰ ساله بنام صورت حسینی در شهرستان دالاهو در استان کرمانشاه؛ به دلیل مشکلات خانوادگی و فقر اقدام به خودکشی کرد و متأسفانه جان باخت. این زن مادر ۸ فرزند نیز بوده و از طریق خوردن قرص به زندگی خود پایان داده است. طی دو هفته گذشته ۵ زن و دختر ساکن کردستان به زندگی خود پایان داده‌اند.

درست در همین روز فریده ویسی اهل دیواندره روز پنجشنبه ۱۹ مرداد ۹۶ خود را حلق‌آویز کرد و متأسفانه جان سپرد. قبل از او فرزند ۱۶ ساله این زن به نام "بهنام ویسی" نیز چند ماه پیش خود را حلق‌آویز و به زندگی خود پایان داده بود.

یک زن اهل جوانرود به زندگی خود پایان داد

ظهر شنبه ۲۸ مرداد ماه، يك زن اهل جوانرود با نام "پروانه عظیمی" به زندگی خود پایان داد.

بنا به این گزارش هم زمان يك جوان ۲۶ ساله اهل جوانرود با نام "أسعد محمدمرادی" خود را حلق‌آویز کرده. طی سال گذشته بیش از ۲۵ مورد خودکشی در شهر جوانرود به ثبت رسیده است.

لازم به یادآوری است که روند افزایش خودکشی در ایران به ویژه در میان جوانان و زنان بر اثر فقر و فشارهای طاقت فرسای زندگی در حاکمیت غارتگران است.

هاجر ۱۵ ساله که به خاطر نداشتن ۶۰۰۰ تومان فوت کرد

دختری ۱۵ ساله به نام هاجر که در یکی از روستاهای استان کهگیلویه و بویراحمد به دلیل فقر و نداشتن ۶ هزار تومان پول دارو فوت کرد. روی سنگ قبر هاجر نوشتند: علت مرگ نداشتن پول دارو

مادر هاجر میگوید: آمبولانس برای بردن او به دهشت ۶۵۰۰ تومان پول می خواست این پول هزینه يك ماه زندگی مان بود و من

این باره گفت: تقسیم میراث در اسلام برپایه آیات، دلایل قطعی دارد و اجتهاد یا تغییر را حتی با تغییر زمان و مکان نمی پذیرد. او افزود: فراهانها برای مساوات میان زنان و مردان در ارث با توجیه منصف بودن در حقوق زن، عین ظلم است زیرا زن بر خلاف گمان بسیاری از مردم، کمتر از زمان نیست بلکه گاهی سهمش از مردانی که در ارث شریکش هستند، بیشتر است.

درباره فراهان السبسی برای لغو منشوری که زن مسلمان را از ازدواج با مرد غیر مسلمان منع می کند، شومان گفت: این به سود زن نیست زیرا چنین ازدواجی محبت و آرامش را که از اهداف ازدواج است، از میان می برد.

این در حالی است که در تونس، نظرات موافق و مخالفی در این باره مطرح شده و دو موضوع یاد شده، به بحث جنجالی روز تبدیل شده است.

لغو قانون ازدواج قربانی با تجاوزگر در لبنان

مجلس لبنان قانونی که متجاوزان را در صورت ازدواج با قربانی تجاوز جنسی، از مجازات معاف می کرد، لغو کرد. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، لغو این قانون در جلسه روز چهارشنبه ۲۵ مرداد ماه، حاصل سالها مبارزه طرفداران حقوق زنان در لبنان است. این قانون از دهه ۱۹۴۰ در لبنان اجرا می شد.

تونس، مراکش و مصر در سالهای اخیر قوانین مشابهی را لغو کرده‌اند. مجلس کشور اردن نیز در هفتههای اخیر این قانون را در این کشور لغو کرد.

با این همه به گزارش دیدبان حقوق بشر، در کشورهای الجزایر، عراق، کویت، لیبی، سوریه و نیز چند کشور آمریکای لاتین، فیلیپین و تاجیکستان همچنان این قانون

اجرا می شود. گروهی از افراد مذهبی در خاورمیانه معتقدند این ازدواج، شرافت خانواده قربانی را به او و خانواده‌اش بازمی گرداند.

بر اساس قانون لبنان، فرد متجاوز به بیش از هشت سال حبس تعزیری محکوم می شود و اگر قربانی از نظر ذهنی و یا جسمی معلولیتی داشته باشد، مجازات متجاوز افزایش خواهد داشت. ماده ۵۲۲ قانون تصریح کرده بود که اگر متجاوز با قربانی ازدواج کند، مجازات او به حالت تعلیق در خواهد آمد.

به نوشته خبرگزاری آسوشیتدپرس، ابراهیم کنعان، یکی از نمایندگان مجلس لبنان با تاکید بر این که «حقوق زنان دقیقاً با مردان برابر است» گفته است: «ما در جامعه‌ای زندگی می کنیم که در آن آزادی، برابری و عدالت حاکم است و لازم است تا چنین بی عدالتی و نقض حقوق زنانی در آن نداشته باشیم».

پس از حذف این قانون در مجلس لبنان، سازمان دیدبان حقوق بشر نیز از این اقدام استقبال کرد و گفت: باید از تامین حقوق زنان اطمینان حاصل کنیم.

کودک ۱۰ ساله ای که دیوان عالی هند با تقاضای سقط جنین او مخالفت کرده بود، نوزاد دخترى را به دنیا آورد

این خبر روز پنجشنبه توسط پزشکان بیمارستان دولتی شهر چانديگره در شمال هند اعلام شد. به گفته پزشکان، نوزاد با عمل سزارین به دنیا آمده است و حال نوزاد که ۲.۲ کیلوگرم وزن دارد و مادرش خوب است.

به این دختر ۱۰ ساله که نام او به دلایل قانونی منتشر نشده، بارها و در طول چند ماه از سوی یکی از بستگان نزدیکش تجاوز شده بود. وقوع جرم زمانی روشن شد که

این دختر ماه گذشته به دلیل درد در ناحیه شکم به بیمارستان آورده شد و در جریان معاینات مشخص شد که بیش از ۳۰ هفته از مدت بارداری او می گذرد.

هم اکنون شکایتی نیز علیه فرد متجاوز در جریان است.

پس از آگاهی از بارداری، والدین دختر درخواستی را مبنی بر توقف بارداری او تقدیم دادگاه هند کردند اما دیوان عالی در ۲۸ ژوئیه درخواست آنها را با این توجیه که سقط جنین پس از هفته سی و دو بارداری اما به دلایل پزشکی برای این دختر خطرناک است، رد کرد.

دیوان عالی هند این تصمیم را پس از دریافت نظر هشت پزشک اتخاذ کرد.

قوانین هند اجازه سقط جنین را پس از هفته بیستم بارداری به پزشکان نمی دهد مگر اینکه دادگاه مجوز این کار را صادر کرده باشد.

بنا بر اعلام رسانه های هند، این دختر ۱۰ ساله هنوز از تولد نوزادش اطلاعی ندارند و والدین او قصد دارند که این کودک را برای فرزندخواندگی به خانواده دیگری بدهند.

به گفته رسانه ها والدین این دختر ۱۰ ساله به او گفته اند که در معده اش سنگی وجود دارد و باید با عمل جراحی، آن را خارج کنند.

بنا بر اعلام دولت هند، این کشور دارای رکورد بالایی در زمینه سوء استفاده جنسی از افراد زیر سن قانونی است. تنها در سال ۲۰۱۵ میلادی ۲۰ هزار مورد تجاوز جنسی گزارش شده است.

این مشکل عمدتاً در فقیرترین بخش های جامعه دیده می شود. قربانیان تجاوز نیز معمولاً دسترسی به خدمات پزشکی و یا دسترسی به اطلاعات مناسب برای چگونگی برخورد با این مشکل ندارند.*



علیه تبعیض

چرا سرنوشت و آینده کومه له برای من مهم است؟

من نیز همچون صدها و هزاران انسان کمونیست، چه آنانی که جانباختند و چه کسانی که در قید حیات هستند و خود را کمونیست میدانند، نزدیک به یک دهه در حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان این حزب فعالیت داشتم. اینجا قصد وارد شدن به کارنامه فعالیت سیاسی ام طی آن یک دهه را ندارم. در این رابطه سهم خود وقایع و سیر رویدادهای آن دوره را برای ثبت در تاریخ مکتوب کرده و در کتابی تحت عنوان "تاریخ یک دوره، مخترعی از فعالیت سیاسی در کردستان" منتشر کرده‌ام.

از سال ۹۱ میلادی به همراه جمع زیادی از اعضا و کادرهای حزب کمونیست ایران از این حزب جدا شدم و تا به امروز در حزب کمونیست کارگری مشغول فعالیت هستم. برای دانستن علت این جدایی نیز خواننده این سطور را به مجموعه ای تحت عنوان: "جنگ خلیج و رویدادهای کردستان عراق" بعنوان اسناد مربوط به این جدایی که قابل دسترس است رجوع می‌دهم.

با این مقدمه کوتاه می‌خواهم بگویم چرا بعد از گذشت نزدیک به سه دهه از آن تاریخ سرنوشت و آینده کومه له بعنوان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران همچنان برای من مهم است؟

طی همان یک دهه فعالیت در دهه شصت شمسی، سازمان کومه له به نقطه امید کارگران کردستان تبدیل شده بود. اعتبار، انوریته و محبوبیت کومه له در میان مردم و با اتکا به افق، سیاست و استراتژی سوسیالیسم کارگری، حتی فراتر از کردستان ایران معنی میداد.

برای همه آنانی که در این سازمان فعالیت میکردند، استراتژی یک جنبش معین اجتماعی طبقاتی و سوسیالیستی، افق و دورنمای کومه له و همه کسانی که در صفوف آن قرار داشتند بود و هویت شان را توضیح میداد. بنابراین سرنوشت این سازمان برای من مهم است زیرا بخشی از تاریخ چه جامعه کردستان را که در آن سهیم بودم پشت سر خود دارد و با به راست چرخیدنش جبهه راست و ناسیونالیستی تقویت میشود.

اینجا قصد بررسی سربز آوردن خط و گرایش ناسیونالیستی که طی سالهای گذشته سه انشعاب را از خود بیرون داد نمی‌شوم چرا که در مورد آن بسیار گفته شده و شخصا بر سر آن مقالات و مطالبی نوشته‌ام. حدود چهار سال پیش نیز زلزله "کنگره ملی کرد" تکان دیگری به کومه له بود که اگر سر می‌گرفت، سازمان کومه له را با خود به قعر دنیای ناسیونالیسم کرد روانه میکرد که خوشبختانه این کنگره به دنیا نیامده از دنیا رفت. اما علیرغم آنچه که اشاره شد آنچه مد نظرم در این نوشته است، نقدی بر قد علم کردن مجدد گرایش ناسیونالیستی در درون کومه له است.

میداندار شدن گرایش راست در هر سازمان و حزب چپی قبل از هر چیز متأثر از روند اوضاع و تحولات سیاسی و اجتماعی در بیرون از این سازمانها است که با نام و هویت چپ و سوسیالیستی فعالیت میکنند. فروپاشی بلوک شرق مثال زنده و روشنی در این رابطه است. بدنبال فرو ریختن دیوار برلین و پایان دوره بلوک شرق، بخش عمده احزابی که بنام چپ، کمونیست و سوسیالیست، فعالیت میکردند پرچمهایشان را عوض کردند و همگی دمکراسی طلب شدند چرا که با فریاد پیروزی سرمایه داری بازار آزاد بر بلوک سرمایه داری دولتی، تحقق افق و اهداف سوسیالیستی کارگری را دور از دسترس میدانستند.

این را از آن جهت مثال آوردم که بگویم هم در آن دوره و بعد از آن تا به امروز، هر گونه تحول سیاسی مستقیماً بر احزاب و جریانهای سیاسی بویژه از نوع چپ آن تأثیر گذاشته است. کومه له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بنا به موقعیتی که در آن قرار گرفته است، هر دم با وزیدن نسیم خط ناسیونالیستی در منطقه، دچار چنین تکانهایی شده است. دو انشعاب (سازمان زحمتکشان و روند سوسیالیستی کومه له) از موضع ناسیونالیستی و راست در سازمان کومه له نمونه‌های دیگری از این دست بود که امروز دیگر تاریخ پیوسته است. آنچه که مورد بحث من است مربوط به

تحولات چند سال گذشته در منطقه و مشخصاً اتفاقات و رویدادهای ماههای اخیر و تأثیرات آن بر کومه له میباشد.

تکان و زلزله ای که میتواند کومه له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران را از پا درآورد، از جنس کنگره ملی کرد یا سیاسی است که در ائتلاف شش گانه احزاب شاهدش بودیم. از جنس آغوش باز کردن برای احزاب و سازمانهای ناسیونالیست و قوم پرست کرد، و از جنس تبدیل شدن به دنبالچه ارتجاعی ترین و قوم پرست ترین جریانها در منطقه است که هر کدام متأثر از روند تحولات سیاسی در منطقه و از بالا، خاصیت جذب شدن در قطب بندیهای منطقه را در خود دارند. واقعیت امر این است که سازمان کومه له بحکم موقعیت زندگی اردوگاهی اش و قرار گرفتن در میان خیل وسیعی از احزاب و نیروهای ناسیونالیستی، قومی و اسلامی و بر بستر وقایع و رویدادهای متحول منطقه، اگر متکی به افق طبقاتی، سوسیالیستی و کارگری محکمی نباشد براحتی به لقمه ای برای این جریانها تبدیل خواهد شد.

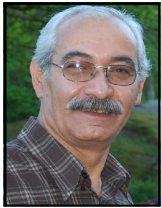
بر بستر چنین وضعیتی است که رهبری طیف خط ناسیونالیستی در کومه له با اتخاذ سیاستهایی در مغایرت با سیاستها و سنتهای پیشین آن، دارد کارش را پیش میبرد و میتواند این سازمان را در پیشگاه ناسیونالیسم کرد و احزاب این جنبش قربانی کند. ائتلاف کومه له با پنج حزب و سازمان ناسیونالیست، قومی و اسلامی یکی از این خطرات است که اگر در مقابل تداوم چنین سیاستی سنگر بندی محکمی از سوی طیف چپ درون کومه له و پایه اجتماعی آن صورت نگیرد باید برای همیشه از آن قطع امید کرد. ممکن است کسی به این امید داشته باشد که سندی مبنی بر تنظیم مناسبات با احزاب ناسیونالیست کرد تنظیم شده و در چنین کنگره بتصویب رسیده است. چنین سندی حتی اگر شفاف ترین خطوط مناسبات با احزاب را هم ترسیم کرده باشد اما در پراتیک روزمره عملاً مناسبات دیگری با این احزاب تحت لوای "تاکتیک"، "مصلحت

جنبش کردستان" و هر استدلال دیگری صورت بگیرد، نمیتواند کومه له را در مقابل اوضاع و تحولات پیش رو در منطقه و اکسینه کند. جامعه و مردم کردستان اگر بخواهند با شاخص های امروز کومه له را ارزیابی کنند، پراتیک و تعهدات عملی آنرا مد نظر قرار میدهند نه اینکه فلان سند یا بهمان قطعه نامه چقدر خوب یا بد نوشته شده است.

پیشتر در نقد رویکرد رهبری کومه له و در رابطه با ائتلاف با پنج حزب و سازمان دیگر نوشته بودم که بقدرت رسیدن ترامپ و سیاست دولت عربستان در قبال جمهوری اسلامی، کومه له را در بلوک بارزانی و دیگر احزاب ائتلافی قرار داد. خط راست درون کومه له همیشه با و بدون چنین بلوک بندیهای در منطقه این اشتها را برای چرخیدن به راست از خود نشان داده است اما در چند ماه اخیر فضای این قطب بندی این اشتها را تشدید کرده است. کنفرانس تلویزیون "روداو" که در آن هر شش حزب و سازمان عضو ائتلاف در آن شرکت داشتند نمونه بسیار برجسته جذب شدن و حل شدن کومه له در چنین فضایی است.

یکی از پیش درآمدهای هموار نمودن جهت گیری خط راست در درون کومه له مربوط به سخنرانی ابراهیم علیزاده برای دانشجویان دانشگاه سلیمانیه در مورد تاریخ حزب کمونیست ایران بود که در روز روشن و در مقابل انسانهای زنده آن تاریخ دست به تحریف تاریخ حزب کمونیست ایران زد. چنین دگردیسی ای از نظر دبیر اول کومه له لازم بود که بتواند مقدمات براست چرخیدن را برای هر گونه تحولی که منطقه بشدت آستن آن است مهیا کند.

بر بستر اوضاع و شرایطی که بالاتر اشاره شد، کومه له کنگره ۱۷ خود را برگزار کرد. قبل و بعد از این کنگره تلاشهای ناسالمی از سوی خط راست که دبیر اول کومه له آنرا نمایندگی میکرد در تقابل با گرایش و موضع گیری چپ رخ داد. اینجا قصد وارد شدن به رویدادهایی که بدور از شان و پرنسیب هر حزب و سازمان سیاسی چپ است و اتفاق افتاد نمی‌شوم. تنها به این اکتفا میکنم که در این کنگره دو گرایش چپ و راست در مقابل هم قرار گرفتند تا جاییکه تعداد زیادی از



عبدل کلپریان

اعضای کمیته مرکزی قبلی کومه له خود را کاندید نکردند. در همین رابطه ابراهیم علیزاده در مصاحبه ای با تلویزیون روداو کاملاً بر وجود این اختلافات سرویش گذاشت و آنرا به توطئه جمهوری اسلامی نسبت داد.

در دنیای امروز میدیای اجتماعی یعنی، رسوخ تکنولوژی رسانه ای و خبر در مقیاس ثانیه به کنج هر منزلی در سراسر دنیا. سؤال این است که چرا دبیر اول کومه له بر وجود اختلاف سیاسی در سازمان کومه له سرویش می‌نگارد و آن را به جمهوری اسلامی نسبت میدهد؟ آیا وقتیکه او با افراد درون اردوگاهش که از تمامی جزئیات این اختلافات مطلع هستند روبرو میشود چه احساسی در برابر سرویش نهادن بر حقایق و واقعیهایی که چه قبل و چه بعد از این کنگره در جریان بود خواهد داشت؟ آیا واقعا رفتن بسوی جریانهای ناسیونالیست کرد و چشم دوختن به قطب بندیهای منطقه ای آنقدر برای او مقدس و به امری استراتژیک تبدیل شده که در مقابل صفوف افراد سازمانش اینگونه بر واقعیت سرویش بگذارد؟ آیا در میان طیف چپ در سازمان کومه له کسی پیدا نمیشود که با صراحت لهجه، با اعتماد بنفس و با قاطعیت به این وارونگی ها جواب دهد؟ به باور من هر تک نفری چه در درون تشکیلات علنی و چه در بستر فعالیتهای اجتماعی با چنین روشی مواجه شود و این سبک و سنت را مردود شمارد، در مقابل جنبش سوسیالیستی کارگری و در مقابل مردم آزادیخواه و برابری طلب کردستان مسئول است و باید پاسخگوی سکوت امروز خود در مقابل جامعه باشد. نسبت دادن بروز اختلافات به توطئه جمهوری اسلامی توسط علیزاده به این دلیل است که منبعد هیچ صدای مخالفی در درون کومه له نتواند به سیاستها

بازنشستگان تجمع سراسری خود را در مقابل مجلس برگزار کردند

از ساعت ده صبح روز سه شنبه ۳۱ مرداد معلمان بازنشسته، بازنشستگان تامین اجتماعی، کشوری و لشکری در اقدامی هماهنگ در مقابل مجلس اسلامی دست به تجمع زدند. بازنشستگان از شهرهای مختلف در این تجمع شرکت داشتند. در این حرکت اعتراضی حضور معلمان، کارگران و پرستاران شاغل در همبستگی با بازنشستگان چشمگیر بود. شعارهای بازنشستگان بیان اعتراض عمیق آنها به بیعدالتی، فقر و نابرابری، بیحقوقی و اختلاس و دستگاه چپاول حکومت بود و با شعارها و خواست هایی که بر پلاکاردهایشان اعلام شده بود اکثریت عظیم جامعه را در مقابل نظام ظالمانه سرمایه داری و مفتخوران حاکم نمایندگی کردند. بازنشستگان شعار میدادند:

خط فقر ۴ میلیون، حقوق ما ۱ میلیون
معلم زندانی آزاد باید گردد
معیشت، منزلت، سلامت حق مسلم ماست
تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم
به اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه
حقوق نابرابر، تحمیل فقر بیشتر
این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملت
اگر که ما نبودیم، تو اون بالا نبود
ظلم و ستم کافیه سفره ما خالیه

و خطاب به نمایندگان مجلس اسلامی میگفتند: سفره ما خالیه، پز شما عالیه افزایش حقوق بالاتر از خط فقر، درمان رایگان، تحصیل رایگان و آزادی معلمان زندانی، به معنی آزادی اسماعیل عبدی و محسن عمرانی و پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات، از جمله خواست های محوری بازنشستگان است. یک خواست دیگر بازنشستگان اداره و نظارت بر صندوق های بازنشستگی و رسیدگی به غارت صندوق ها و موسسات مالی آنها است.

مبارزات بازنشستگان از مهر سال ۹۵ که معلمان بازنشسته دست به تجمعات در شهرهای مختلف کشور زدند، وارد فاز تازه ای شده و بی وقفه ادامه داشته است. بازنشستگان شبکه های خود را گسترش داده و در مدیای اجتماعی نیز گروههای مختلفی برای تبادل نظر و تصمیم گیری برای اعتراضات خود سازمان داده اند. از جمله برای تجمع امروز از شهرهای مختلف بیانیه دادند و خانواده ها و همکاران شاغل خود را به شرکت در آن تشویق کردند. نقش زنان در سازماندهی و حضور و نقش فعال آنان در تجمعات اعتراضی از جمله تجمع امروز یک وجه قابل توجه مبارزات بازنشستگان است.

بازنشستگان در پایان تجمع امروز قطعنامه خود را قرائت کردند و سپس در صفوفی متحدانه و با دادن شعار بطرف میدان بهارستان راهپیمایی کردند. بازنشستگان با شعار "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم" عزم خود را برای تداوم مبارزه اعلام کردند و در پایان تجمع نیز اعلام کردند که روز ۳۱ شهریور دست به تجمع خواهیم زد.

خواست های بازنشستگان بیانگر خواست های کل طبقه کارگر و اکثریت عظیم جامعه است و شایسته حمایت گرم و فعالانه همه مردمی است که این نظام را نمیخواهند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ مرداد ۱۳۹۶
۲۲ اوت ۲۰۱۷

با مردم ایران، حمایت از مبارزات گسترده ای که علیه حکومت اسلامی جریان دارد و فشار به دولت ها برای قطع رابطه سیاسی دیپلماتیک با جمهوری اسلامی فرایخوانیم. جمهوری اسلامی باید همچون رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در افکار عمومی جهانیان و از جانب دولت ها و نهادهای بین المللی محکوم و مطرود شود. مبارزاتی که امروز توسط زنان و جوانان، کارگران و دانشجویان، خانواده های جانباختگان و زندانیان سیاسی در ایران جریان دارد اجزاء مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است که کنار زند آن از سر راه جامعه ایران شرط اصلی برای التیام زخم های ناشی از جنایات و نسل کشی های این حکومت است. شما را به تقویت این مبارزات فرامیخوانیم. مردم ایران به همبستگی مردم آزاده جهان نیاز دارند و دنیا به رهایی از شر تمام حکومت ها و دار و دسته های آدمکش اسلامی نیاز عاجل دارد.

زندانیان سیاسی در ایران جریان دارد اجزاء مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است که کنار زند آن از سر راه جامعه ایران شرط اصلی برای التیام زخم های ناشی از جنایات و نسل کشی های این حکومت است. شما را به تقویت این مبارزات فرامیخوانیم. مردم ایران به همبستگی مردم آزاده جهان نیاز دارند و دنیا به رهایی از شر تمام حکومت ها و دار و دسته های آدمکش اسلامی نیاز عاجل دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ سپتامبر ۲۰۱۶

در منطقه، آنرا در کریدورهای احزاب و جریانات ناسیونالیست، قومی و ارتجاعی مشاهده کرد. کادرهای شناخته شده و جا افتاده تر گرایش چپ میتوانند با دادن افق روشن، سوسیالیستی و رایج کردن سنتها و روشهایی که کومه له را محبوب و معتبر ساخت، صف چپ در کومه له را تقویت کنند. نباید به خط و سیاست راستروانه در کومه له میدان داده شود. آنچه که میتواند کومه له را از سقوط به دره ناسیونالیسم کرد و ارتجاع محلی مانع شود کویین و پای فشردن بر افق و سیاست روشن سوسیالیستی کارگری آن است.

۲۷ مرداد ۹۶
۱۸ اوت ۲۰۱۷

از صفحه ۲ دنیا باید بداند ...

جنایت علیه بشریت محکوم کرد؟ آیا میدانید تحت این فشارها و رشد فزاینده اعتراضات مردم شکاف های عمیقی در جمهوری اسلامی حول کشتارهای جمهوری اسلامی به راه افتاده است؟ نه، قطعاً اکثر شما نمیدانید چون رسانه های غربی نه این دادگاه را چندان پوشش دادند و نه از فضای امروز اعتراضی در ایران چندان صحبت میکنند.

و بالاخره امروز دنیا دارد در مورد جنایات داعش صحبت میکند. جمهوری اسلامی همتای داعش است. پیش قراول آن بود. همه انواع جنایاتی که داعش امروز به سر زنان و کل مردم میآورد تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به اجرا درآمده است. جمهوری اسلامی و داعش و سایر حکومت های اسلامی صرفنظر از قطب بندی در مقابل یکدیگر، همچنان خون میریزند و برای یکدیگر مشروعیت ایجاد میکنند.

ما خود را موظف میدانیم شما مردم جهان را از آنچه این حکومت بر سر مردم آورده است مطلع سازیم و شما را به همبستگی

معلوم نشود، و حقایق آن دوره تماما افشا نشود، این زخم التیام نخواهد یافت.

و بالاخره آیا میدانید مردم، زنان، دانشجویان، کارگران و بخش های مختلف مردم در نقاط مختلف کشور از همان آغاز روی کار آمدن رژیم دست به اعتراض و مقاومت زدند و امروز جنبش دادخواهی وسیعی در ایران شروع شده است؟ مادران جانباختگان همچون مادران گم شدگان در آرژانتین چندین سال است متشکل شده اند و در بیانیه های علنی خود خواهان رو شدن تمام حقایق و محاکمه تمام سران حکومت و کلیه مقاماتی شده اند که مرتکب این جنایات شده اند. آیا خبر دارید که سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به همت خانواده های اعدام شدگان و زندانیان سیاسی جان به در برده از حکومت اسلامی، دادگاهی مردمی با حضور وکلا و قضات سرشناس بین المللی و حضور دهها شاهد از خانواده های جانباختگان و زندانیان سیاسی سابق در دو مرحله در لندن و لاهه برگزار شد و جمهوری اسلامی را رسماً بدلیل

از صفحه ۵ چرا سرنوشت و آینده ...

سوسیالیستی در جامعه و بحکم موقعیت و تاریخی که سازمان کومه له داشته است از انتظار دارند.

اگر حزب کمونیست ایران موجودیت دارد که باید داشته باشد، اگر سازمان کردستان این حزب، کومه له موجودیت دارد که باید داشته باشد، لازم است بر افق و اهداف کمونیستی کارگری اش متعهد و پایبند باشد. نمیشود و نمیتوان یک سازمان و حزب کمونیستی را که استراتژی تحقق سوسیالیسم را در مقابل خود قرار داده است مدام و هر روزه با وزش هر بادی در فضای تحولات سیاسی

و رویکرد ناسیونالیستی بخشی از رهبری کومه له که او آنرا نمایندگی میکند معترض باشد.

بقا، سرنوشت و آینده جهت گیری سوسیالیستی کومه له به ایفای نقش گرایش سوسیالیستی و کارگری آن، چه در درون تشکیلات علنی و چه در میان فعالین اجتماعی این سازمان گره خورده است.

گرایش چپ این سازمان وظیفه اش دفاع از اصول و آرمانهای انسانی، دفاع از سوسیالیسم، اتکا به نیروی طبقاتی کارگران و جنبشهای اجتماعی در کردستان ایران است که کارگران و گرایش



زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com